



Volume 3, Issue 5, 2024

The Limits of Minor's Expediency in Criminal Offenses from Contemporary Jurists Point

Mohsen Kordbacheh Hossein Abad ¹, Hasan Asadi ^{*2}, Mahdi Kordbacheh Hossein Abad ³

1. Ph.D Student of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Theology, Faculty of Humanities, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Humanities, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 53-64

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-5232-3851

TELL: +989123532764

Email:

asadihasan171@gmail.com

Article history:

Received: 15 Agu 2023

Revised: 21 Sep 2023

Accepted: 05 Feb 2024

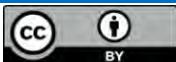
Published online: 20 Feb 2024

Keywords:

*Criminal Offenses,
Retribution, Diya,
Expediency, Minor.*

ABSTRACT

Guardianship over the minors until the age of puberty is the responsibility of the paternal grandfather, the guardian, trustee and ruler, and this guardianship depends on the absence of corruption and harm, compliance with the principles of life and expediency for minors, and the only thing that limits the authority of the guardian is the expediency of the minor. Therefore, in his actions and decisions, he must respect the interests and expediency of the ward. Regarding retribution and criminal crimes, this is expedient in amnesty, retribution and asking for Diya (punitive compensations). From the point of view of contemporary jurists, receiving Diya is often in the interest of the minor, but in some cases, the expedient of the minor may be in amnesty or retribution. The purpose of the research is to explain the ideas of contemporary jurists. In this research, in a descriptive and analytical way, we deal with the issue of minor's expediency from the point of view of contemporary jurists. If a child is killed as a result of an intentional or unintentional crime, the guardian has the right to retaliate, take Diya or pardon, but if the crime against a minor is assault and battery, which causes retribution or Diya, the Islamic Penal Code is silent on this matter and according to Article 167 of the Constitution, one should refer to the famous fatwa of jurists. as a result In the case of retribution, the guardian's right to pardon is not fixed, and regarding remission the Dyia, the guardian only has the right in the cases where it is for the minor's benefit, not for himself. But, contemporary jurists have different opinions regarding the expediency of the minor.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Khodaie Kahriz, D; Pourghahramani B & Beigi, J (2024). "The Limits of Minor's Expediency in Criminal Offenses from Contemporary Jurists Point". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 53-64.



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه برای تطبیق

دوره سوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۲

حدود مصلحت صغیر در جرایم کیفری از نظر فقهای معاصر

محسن کردبچه حسین آباد^۱، حسن اسدی^{۲*}، مهدی کردبچه حسین آباد^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق بین الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

ولایت بر صغار تا زمان بلوغ بر عهده پدر، جد پدری، وصی، قیم و حاکم است که این ولایت مشروط به عدم مفسده و ضرر، رعایت اصلحیت و مصلحت برای صغار است و تنها چیزی که اختیارات ولی را محدود می‌سازد، مصلحت و غبطه صغیر است. لذا باید در اعمال و تصمیمات خود، مصلحت مولی علیه را رعایت نماید. در خصوص قصاص و جرایم کیفری نیز این مصلحت در عدم قصاص به صورت طلب دیه می‌باشد از نظر فقهای معاصر غالباً أخذ دیه به مصلحت صغار است، ولی در مواردی ممکن است مصلحت صغار در عفو یا قصاص باشد. هدف از این پژوهش، تبیین نظریات فقهای معاصر است. در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی به موضوع مصلحت صغار از نظر فقهای معاصر می‌پردازیم. اگر طفلی در اثر جنایت عمدی یا غیرعمدی به قتل برسد، اختیار قصاص یا أخذ دیه یا عفو با ولی او است، اما اگر جنایت بر صغیر، ضرب و جرحی باشد که موجب قصاص یا دیه گردد، قانون مجازات اسلامی در این مورد ساکت است و باید طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی به فتوای مشهور فقها مراجعه نمود. در نتیجه در مورد قصاص، حق عفو برای ولی ثابت نیست و نسبت به گذشت از دیه هم، تنها در جایی ولی این حق را دارد که عفو برای صغیر مصلحت داشته باشد، نه برای خود ولی. فقهای معاصر در خصوص مصلحت صغیر نظریات متفاوتی دارند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۳-۶۴

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۳۸۵۱-۵۲۳۲-۵۲۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۳۵۳۲۷۶۴

ایمیل: asadihasan171@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

جرایم کیفری، قصاص، دیه، مصلحت، صغیر.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

حکم اصلی و ابتدایی در مجازات قتل عمدی، قصاص است. اعمال کیفر قصاص علاوه بر ارتکاب جنایات عمدی، نیازمند وجود شرایط دیگری مانند تساوی در دین انتفای ابوت و تساوی در عقل است که البته با تحقق شرایط مذکور و پس از ثبوت نیز قصاص بلافاصله اجرا نخواهد شد؛ بلکه اعمال این مجازات نیز به شرایط متعددی بستگی دارد که در منابع فقهی با عنوان شرایط استیفای حق قصاص از آن بحث شده است. از آن جمله می‌توان به تقاضای اولیای دم اشاره کرد که بدون این تقاضا مشروعیت در اجرای مجازات قصاص وجود ندارد و اولیای دم مقتول همانگونه که حق دارند قاتل را قصاص کنند، می‌توانند وی را عفو و یا مصالحه نمایند. این مسأله از مواردی است که مورد اختلاف نظر فراوان فقیهان اسلامی واقع و نظرات مختلفی درباره آن بیان شده است؛ به‌نحوی که آثار این اختلاف در قوانین موضوعه نیز مشخص می‌باشد. البته بر اساس قانون مجازات اسلامی ولی قهری از اختیار مطلق برخوردار است و هر چند زمان بلوغ یا افاقه مولی علیه نزدیک باشد می‌تواند منتظر بلوغ یا افاقه آنان نماند و خود تصمیم‌گیری نماید و به علاوه او می‌تواند در صورت صلاح، قاتل را قصاص کند و به دیه بیشتر یا کمتر از آن مصالحه کند یا حتی از حق قصاص مولی علیه بدون عوض گذشت و قاتل را عفو نماید.

به اتفاق فقها در مواردی که جنایت عمد بر کودک موجب قصاص شود یا جنایت بر اعضا و جوارح وی به‌عنوان خطای محض یا شبه عمد موجب دیه گردد، همچنین در مواردی که جنایت عمدی به دلیل فقد بعضی از شرایط موجب دیه شود و یا به هر دلیل جنایت بر کودک موجب دیه گردد، در تمام موارد ولی شرعی کودک (پدر، جد پدری، حاکم شرع) در قصاص یا گرفتن دیه ولایت دارد، اعم از این که دیه توسط جانی پرداخت شود و یا عاقله وی. البته باید مالی که به عنوان دیه اخذ می‌شود برای کودک تا زمان بلوغ او نگهداری شود، این مسأله مورد توافق فقها است و اختلافی در آن دیده نشده است.

امام خمینی در خصوص قصاص می‌نویسد: «در صورتی که دارای اولیایی باشد که در قصاص شریک‌اند، ... اگر بعضی از آنان دیوانه باشد امر او به دست ولی او است. و اگر صغیر باشد پس در روایتی است که انتظار بکشید تا کسانی که پدرشان کشته شده است بزرگ شوند، پس وقتی بالغ شدند، آنان مخیر کنید؛ پس اگر دوست داشتند بکشند یا عفو نمایند یا مصالحه کنند.»

مطابق نظر امام خمینی ولی صغار در صورتی می‌تواند از باب ولایت بر صغیر مطالبه قصاص نماید که تأخیر در اجرای قصاص موجب مفسده بوده و یا برخلاف مصلحت صغیر باشد. در غیر این صورت احوط آن است که صبر نمایند تا صغیر بالغ شود و درباره قصاص یا گذشت و یا مصالحه نظر دهد.

سؤالی که می‌توان در این پژوهش بیان نمود این است که نظر فقهای معاصر در خصوص رعایت مصلحت صغیر در جرایم کیفری چیست؟

در بررسی منابع موجود می‌توان به مقاله جایگاه و تأثیر مصلحت در سرپرستی کودک از دیدگاه فقه و حقوق نگارش شده توسط محمدمهدی مقدادی اشاره نمود. که نویسنده طی پنج فصل به مفهوم و بیان جایگاه مصلحت در سرپرستی کودکان می‌پردازد، اما در این مقاله اشاره‌ایی به جرایم کیفری نداشته است. در مقاله دیگر تحت عنوان مسؤولیت مدنی سرپرست صغیر و مجنون نگارش شده توسط بهروز پروین در سال ۱۳۹۷ می‌باشد که در این مقاله ضمانت اجرا و مسؤولیت پدر و جد پدری در حالتی که محجور صغیر یا مجنون است تحلیل می‌شود. در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان نقش اولیا دم در استیفای قصاص در جرم قتل و مقایسه آن در حقوق کیفری ایران و فرانسه نگارش شده توسط علی احمدپور بخوانی در سال ۱۳۹۹ است که نویسنده نگاهی تطبیقی به نقش اولیا دوم دارد، اما اشاره‌ایی به صغیر در این پژوهش نشده است. به همین سبب موضوع دارای نوآوری است و پژوهشی تحت این موضوع نگارش نشده است. شایان ذکر است بر ولی قهری لازم است با رعایت کامل غبطه صغیر، آن چه را که مقتضای مصلحت است انجام دهد.

۱- مفهوم و اهمیت مصلحت در فقه اسلامی

مصلحت در برابر مفسده می‌باشد و در لفظ به معنای خیر و صلاح قید گردیده است (فیومی ۱۴۰۵: ۳۴۵؛ ابن منظور ۱۴۱۶: ۳۸۴/۷). عده‌ای هم از آن تحت عنوان منفعت یاد کرده‌اند (بستانی، ۱۴۰۷: ۵۱۵) این در حالی است که منفعت به نفع فردی و زودگذری که شامل خیر و صلاح نبوده نیز گفته می‌شود، بنابراین نسبت بین منفعت و مصلحت را می‌بایست عموم و خصوص من‌وجه تلقی کرد. همانطور که یکی از فقهای معاصر بیان می‌دارد: «مصلحت از سنخ منفعت نیست، همچنان که مفسده از سنخ ضرر نیست ... احکام شرعی تابع مصالح و مفاسدند نه منافع و مضار، به همین دلیل در بسیاری از واجبات شرعی از قبیل زکات، خمس، حج و جهاد ضرر مالی یا جانی هست، همچنان که در برخی از محرّمات الهی منفعت مالی یا بدنی وجود دارد.» (فیاض، بی‌تا: ۴۱۰-۴۰۹)

در هر حال، دانشمندان اسلامی به منظور شرح مفهوم مصلحت از نظر اصطلاحی، تعبیر و استنباط‌های مختلفی ارائه نموده‌اند؛ مثلاً به عقیده بعضی مصلحت عبارتست از دفع ضرر و زیان یا جلب سود و منفعت برای دین و دنیا (قمی ۱۳۷۸: ۹۲/۲). به باور عده دیگری نیز مصلحت به آنچه که موافق با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی و یا هر دوی آنهاست و حاصل آن کسب منافع یا دفع ضرری باشد اطلاق می‌گردد (محقق حلی، ۱۳۶۲: ۲۲۱). همینطور برخی چنین بیان می‌دارند که خیر و مصلحت هر حرکتی می‌باشد که با حکمت مطابقت داشته باشد، بنابراین ممکن است به شکل ضرر و یا سود رسانی محقق گردد، همچون بیماری‌ای که بعضاً به صلاح انسان بوده زیرا تقویت ایمان او را به دنبال دارد (عسکری، ۱۴۱۲: ۱۷۲).

۲- دلایل شرعی مصلحت در ولایت و سرپرستی کودکان

دلایل شرعی مصلحت را می‌توان با توجه به عقل، اجماع، قرآن و روایت بیان کرد:

۱-۲- دلیل عقل

اگرچه اصل بر این است که کسی بر دیگری سلطه نداشته باشد، ولی برای کودکی که صلاح و مصلحت خویش را در زندگی فردی و اجتماعی نمی‌تواند تشخیص دهد، قرار دادن

یک شخص دارای صلاحیت برای وی از منظر عقل، کاری نیکو و پسندیده است؛ به عبارت دیگر عقل سلطه دیگران بر کودک را زمانی می‌پذیرد که آن سلطه یا سرپرستی و ولایت، رعایت منافع و مصالح کودک را کرده باشد؛ نظر شیخ طوسی هم مؤید همین امر است (طوسی، ۱۴۰۴: ۲۶۵).

۲-۲- دلیل اجماع

احدی از فقها در کتاب العناوین اجماع بین فقها، درباره رعایت مصلحت در خصوص سرپرستی کودک را مطرح کرده‌اند. به هر حال اجماع فقها جز ادله‌های شرعی برای استخراج احکام فقهی محسوب می‌گردد و باید مورد توجه قرار گیرد (مراغی، ۱۴۳۱: ۳۴۷).

۳-۲- دلیل قرآن

آیه شریفه ۱۵۲ از سوره مبارکه انعام می‌فرماید: «و لا تقرّبوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن؛ و به مال یتیم جز به نیکوترین صورت نزدیک نشوید». مفسران قرآن کریم «احسن» را مداخله‌ای که با رعایت مصلحت همراه است و عقل آن را نیکو می‌شمارد، تفسیر کرده‌اند. آیه ۲۲۰ سوره بقره وظیفه سرپرستان را حفظ منافع و مصلحت کودکان بی‌سرپرست می‌داند (طوسی، ۱۴۰۴: ۲۶۸).

۴-۲- دلیل روایی

روایات فراوانی در زمینه رعایت مصلحت در سرپرستی کودکان وارد شده است. عموم روایات در این زمینه روشنگر دغدغه اسلام در جهت مصلحت و خیراندیشی برای کودکان است. از جمله امام صادق (ع) می‌فرمایند: «تصرف در اموال کودکان فقط در صورتی جایز است که خیر و منفعتی برای کودکان داشته باشد.» (طوسی، ۱۴۰۴: ۲۶۸)

۳- حدود مصلحت در قصاص

قصاص نفس، مجازات قتل عمد است که منتهی به سلب حیات مجرم می‌شود. این موضوع در حالی است که ممکن است ولی‌دم به سن بلوغ نرسیده باشد. در چنین فرضی، ولیّ فرد صغیر یا نابالغ دو راه پیش روی خود خواهد داشت: نخست می‌تواند با رعایت مصلحت صغیر، از میان گزینه‌های قصاص، مصالحه یا گذشت، یکی را انتخاب کند؛ دوم، می‌تواند هیچ تصمیمی نگیرد و تصمیم‌گیری را به بعد از بالغ

کند، چنانچه جنایت در نهایت سبب فوت قربانی جنایت نشود، مستحق قصاص خواهد بود؛ بنابراین اگر کسی ضارب پدر خود را که در حال مرگ است، بکشد اما اتفاقاً پدر وی بهبود یابد، پسر که قصد انتقام داشته، به دلیل قتل که مرتکب شده است قصاص می‌شود.

این موضوع در حالی است که اگر در همین فرض، ضارب پدر کشته شود و پدر هم بر اثر جنایت ضارب فوت کند، در این صورت پسر به تعزیر مقرر در قانون محکوم می‌شود. طبیعتاً ممکن نیست که مهلت گذشت اولیای دم، تا بعد از اجرای حکم و قصاص قاتل ادامه پیدا کند. اولیای دم می‌توانند در مقابل گذشت خود چیزی مطالبه نکنند یا گذشت را به پرداخت مالی موقوف کنند. در مورد میزان این مال، محدودیتی وجود ندارد بنابراین ممکن است به میزان دیه، کمتر یا بیشتر از آن توافق کنند.

در فرضی که اولیای دم با قاتل توافق کرده و گذشت و اسقاط حق قصاص را به پرداخت وجه‌المصالحه یا موضوع دیگری مشروط کنند، حق قصاص تا پرداخت آن برای اولیای دم باقی خواهد بود. در فرضی که مرتکب قتل عمد، بعد از مصالحه و یا گذشت مشروط اولیای دم، حاضر نباشد و یا نتواند وجه‌المصالحه را بپردازد و یا قادر به انجام تعهدات خویش نباشد یا شرط تحقق نیابد، حق قصاص محفوظ بوده و پرونده به منظور بررسی به همان محکمه ارجاع می‌گردد تا مراحل خود را تا اجرای قصاص سپری کند (بازگیر، ۱۳۸۹: ۱۴۲).

۳-۲- حدود اختیارات ولی یا قیم در دیه، قصاص و عفو

از نظر آیت‌الله صانعی پدر و مادر نسبت به فرزند صغیرشان که مجروح شده، حق گذشت و قصاص از دیه را ندارند، مگر اینکه از مال خود به اندازه دیه به او بدهند، یا اینکه گذشت به مصلحت طفل باشد، بدین صورت که مثلاً بعد از مدتی بیشتر از آن را برای طفل بگیرند. از نظر آیت‌الله صانعی اگر جراحاتی به صغیر وارد شود، ولی قهری صغیر حق عفو مجانی ندارد، چون خلاف مصلحت صغیر می‌باشد و ولایت ولی تابع رعایت مصلحت است (صانعی، ۱۳۸۵: ۲۱۶/۱۰).

شدن صغیر واگذار کند تا خود وی بهترین تصمیم را بگیرد. در فرضی که بعضی از اولیای دم، کبیر، عاقل و طالب قصاص باشند قادر به قصاص فرد مرتکب هستند ولیکن چنانچه ولی‌دمی که صغیر یا مجنون بوده، متقاضی پرداخت سهم دیه اولیای دم کبیر، عاقل و خواهان قصاص باشد، بایستی بر اساس خواست وی عمل نمایند.

اما در صورتی که ولی‌دمی که صغیر یا مجنون بوده فاقد ولی و سرپرست باشد و یا ولی وی شناسایی نگردد و یا وی دسترسش نباشد، تکلیف چیست؟ بر اساس ماده ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی، «اگر مقتول یا مجنی‌علیه یا ولی دم که صغیر یا مجنون است ولی نداشته باشد یا ولی او شناخته نشود یا او دسترسی نباشد، ولی او، مقام رهبری است و رییس قوه قضاییه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان، اختیار آن را به دادستان‌های مربوط تفویض می‌کند.»

باید توجه داشت که قصاص نفس در قتل‌های غیرعمد یا خطای محض، کاربرد ندارد و فقط در موردی استفاده می‌شود که جنایتی شرایط قانونی قتل عمد را داشته باشد. در این صورت، مجازات اصلی مرتکب قتل عمد، قصاص نفس خواهد بود که گاهی به اشتباه به آن «اعدام» گفته می‌شود بنابراین پرداخت دیه، مجازات اصلی قتل عمد نیست اما ممکن است با موافقت اولیای دم با قاتل، طرفین تصمیم بگیرند قصاص نفس را در مقابل پرداخت مال یا به صورت رایگان به دیه تبدیل کنند. حتی در چنین فرضی، اگرچه قاتل از قصاص رهایی می‌یابد اما به دلیل جرمی که مرتکب شده و نظم عمومی را برهم زده است، به مجازات‌های تعزیری محکوم می‌شود (بازگیر، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

۳-۱- مهلت گذشت و شرایط آن

گذشت اولیای دم در قتل عمد به زمان خاصی محدود نیست بلکه صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم می‌تواند به‌طور رایگان یا با مصالحه، در مقابل حق یا مال صرفنظر نماید از این‌رو زمان مقرر برای اولیای دم از زمان تعقیب و قبل از اصدار حکم آغاز می‌شود. البته ولی‌دم نمی‌تواند پیش از فوت قربانی جنایت، مرتکب را قصاص کند و در صورتی که در این زمان اقدام به قتل مرتکب

برای صغیر مصلحت داشته باشد (نه برای خود ولی) بعضی از فقهای بزرگ مانند حضرت امام و حضرت آیت‌الله گلپایگانی گذشت ولی را در این مورد مطلقاً صحیح نمی‌دانند و بعضی دیگر از بزرگان جواز آن را مقید به وجود مصلحت برای مجنی‌علیه می‌نمایند. قسمتی از فتاوی مزبور تقدیم می‌گردد. از نظر فقها نظیر آیت‌الله سیدمحمدرضا گلپایگانی بخشیدن دیه جنایت بر صغیر، از طرف ولی او جایز نیست و مصلحتی در بخشش مال صغیر به نظر نمی‌رسد (گلپایگانی، ۱۴۰۹: ۲۷۲/۳).

آیت‌الله العظمی محمدفاضل لنکرانی بیان می‌کند که: ولایت در مثل حق قصاص یا عفو یا بخشش دیه‌ای که حق صغیر می‌باشد ثابت نگردیده و دشوار می‌باشد. بلی چنانچه ولی دریافت دیه را به صلاح صغیر قلمداد کند هیچ بعید نبوده که در چنین شرایطی بتواند دیه اخذ نماید و دخل و تصرف ولی که آب و جد باشند نایستی در مال مولی علیه مفسده‌ای ایجاد کند بلکه احتیاط آن است که به صلاح باشد و چنانچه تصرف به سود ولی باشد ولیکن برای مولی علیه مفسده‌ای در پی داشته باشد به‌طور حتم جایز نخواهد بود.

آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت می‌فرماید: غبطه مولی علیه به معنای صلاح او است و ولی شرعی باید مصلحت صغیر را در نظر بگیرد و اگر گذشت به صلاح صغیر نیست ولی حق ندارد گذشت نماید (بهجت، ۱۳۷۷: ۲۴۸).

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی می‌فرماید: الف. فقط چنانچه به صرفه طفل باشد از حق گذشت برخوردار است و ب. بایستی این کار منفعتی برای صغیر در پی داشته باشد معادل دیه و یا بیشتر از آن.

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی می‌فرماید: به جهت لزوم رعایت غبطه ولی آنها نمی‌تواند عفو کند و در غبطه ملاک مراعات مصلحت است.

آیت‌الله العظمی امام خمینی می‌فرماید: در فرض مزبور، احوط آن است که صبر کنند تا صغیر بالغ شود و در قصاص یا غیر آن، خودش تصمیم بگیرد و ولی صغیر در فرض مذکور

در مواردی که صغیری مجروح گردیده، ولی او می‌تواند اعلام کند که علیه مقصر شکایتی ندارم و اگر فرزندم پس از بلوغ ادعایی داشت خودم پاسخگو هستم اما رعایت مصلحت صغیر لازم است. لازم به ذکر است که اگر صغیر قیم داشته باشد، قیم نیز باید رعایت مصلحت صغیر را بنماید (صانعی، ۱۳۸۵: ۲۱۶/۱۰).

از نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، اگر مقتول صغیر باشد و أخذ دیه از طرف اولیای صغار به صلاح صغار باشد ولیکن موارد معدودی ملاحظه می‌گردد که امکان دارد صلاح صغار در عفو و یا قصاص وی باشد و هیچ تفاوتی در این رابطه میان ولی با قیم وجود ندارد و هر دو می‌بایست صلاح صغیر را مدنظر قرار دهند (سایت رسمی آیت‌الله مکارم شیرازی).

در این خصوص می‌توان پرونده‌ای را مطرح کرد که در سال ۱۳۹۳ در تهران مطرح شد. در این پرونده طفل زیر ۱۸ سال مورد صدمه بدنی قرار گرفته بود. رضایت ولی طفل نسبت به پرداخت دیه است اما اگر ولی قهری رضایت داشته باشد، اما طفل رضایت نداشته باشد در این حالت اصل بر رعایت مصلحت صغیر از سوی ولی قهری است لهذا تا زمانی که مصلحت صغار را رعایت کرده تفحص در مورد عملکرد وی جائز نیست اما در جایی که ولی قهری در اعلام گذشت رعایت غبطه صغیر را ننموده رضایت مشارالیه نمی‌تواند در خصوص مورد، مسقط حق صغیر باشد (صورت جلسه نشست قضائی، ۱۳۹۳/۵/۱).

برای بررسی بیشتر همین موضوع، نظر مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه را مطرح می‌کنیم که آیا ولی دم می‌تواند رضایت بدهد یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال مرکز تحقیقات بیان می‌کند که اگر طفلی در اثر جنایت عمدی یا غیرعمدی به قتل برسد اختیار قصاص یا اخذ دیه یا عفو با ولی او است. اما اگر جنایت بر صغیر ضرب و جرحی باشد که موجب قصاص یا دیه گردد قانون مجازات اسلامی فعلی در این مورد ساکت است و باید طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی به فتاوی مشهور فقها مراجعه نمود از فتاوی فقها معاصر استفاده می‌شود که در مورد قصاص حق عفو برای ولی ثابت نیست و نسبت به گذشت از دیه هم تنها در جایی ولی این حق را دارد که عفو

قوه قضائیه طبق بخشنامه ۱/۸۰/۷۵۵۹ مورخ ۱۳۸۰/۴/۲۸ اقدام خواهد کرد.

اما اختلاف واقعی به لحاظ سکوت مقنن در جایی بروز می‌کند که قیم اولیای دم (بعضی صغار و برخی کبارند) نمی‌تواند با گرفتن دیه اجازه دهد قاتل آزاد گردد، بلکه باید به آخرین فتوای معتبر که توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب صادر شده و اختیار گزینش قصاص یا عفو مع‌العوض یا بلاعوض و یا تأخیر بر طبق مصلحت ولی دم به رئیس محترم قوه قضائیه حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی تفویض فرموده است عمل گردد (معاونت قضایی، آموزش و تحقیقات اداره کل دادگستری تهران، گزارش کمیسیون حقوقی و قضایی قضات).

با توجه به مواد ۱۱۸۰ و ۱۱۸۳ و ۱۱۸۴ (اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳) و ۱۱۸۶ ق.م.، اصل بر صحت و اعتبار اقدامات ولی قهری نسبت به امور حقوقی و مالی مولی علیه و رعایت امانت و غبطه و مصلحت صغیر توسط ولی قهری است، ولو این که مجاناً به ولایت از صغیر از قصاص گذشت کند و اما در خصوص قیم با عنایت به ماده ۷۳ ق.ا.ج. ۱۳۱۹ و مواد ۱۲۴۱ و ۱۲۴۲ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴ ق.م.، حدود اختیارات قیم محدودتر از حدود اختیارات ولی قهری است لذا قیم باید غبطه صغیر را رعایت کند و به همین سبب حق گذشت از قصاص به قیمومت از صغیر را مجاناً ندارد و نظر به این که گذشت از قصاص و رضایت به أخذ دیه نوعی صلح با جانی است، قیم در صورتی می‌تواند موضوع را به صلح خاتمه دهد که دادستان آن را تصویب کند (ماده ۱۲۴۲ ق.م.). اگر ولی یا قیم صغیر تقاضای دیه و سایر اولیاء کبیر درخواست قصاص داشته باشند، چنانچه ورثه کبیر سهم صغیر را از بابت دیه بپردازند، در این صورت دادگاه می‌تواند در صورت فراهم بودن سایر شرایط قانونی حسب درخواست آنان حکم به قصاص صادر کند. قابل ذکر است که ماده ۵۲ قانون راجع به مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۶۱ ملغی‌الآثر است و قابل استناد نیست. (سایت دستور)

امام خمینی در خصوص استیفای قصاص توسط ولی کودک می‌نویسد: «در صورتی که دارای اولیایی باشد که در قصاص

گذشتش صحیح نیست. ولی صغیر حق قصاص از طرف صغیر را ندارد (خمینی، ۱۳۶۵: ۱۶۵).

برای پایان بخشیدن به نظرات مختلف در خصوص مصلحت صغار برای دیه، رأی دیوان عالی کشور به شماره ۱۳۳۰۰۷۶۰۰۹۹۷۹۰۷۶۰۰۹۴/۳/۲۵ مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۵ صادر شد. مطابق مجموعه بخشنامه قوه قضائیه (۱۳۶۸-۱۳۸۱) بر اساس نامه‌های شماره ۷۶۳۸۵/۱ به تاریخ ۲۰ اسفندماه ۱۳۷۹ و ۷۹۷۵۹/۱ به تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ به قرار ذیل به قوه قضائیه ابلاغ شد. «از کلیه ادله ولایت اولیاء صغیر و مجنون اینگونه قابل استنباط است که جعل ولایت برای آنها از سوی شارع مقدس بنا به صلاح مولی‌علیه می‌باشد؛ از این رو در رابطه با موضوع مورد بحث که اولیاء دم، صغیر و مجنون هستند، ولی قانونی آنها می‌بایست ضمن در نظر داشتن مصلحت و غبطه آنها اقدام نماید و انتخاب وی درمورد قصاص یا دریافت دیه و یا عفو مع‌العوض یا بلاعوض نافذ می‌باشد، پر واضح است که تشخیص صلاح صغیر و مجنون با توجه به تمام جوانب و از جمله نزدیکی و یا دوری وی به سن بلوغ انجام پذیرد.» علی‌هذا با توجه به شرح فوق‌الذکر و فتوای رهبری و به استناد ماده ۲۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ اعتراض وکیل اولیاء دم را نسبت به ذیل دادنامه وارد دانسته است و با حذف جمله (اجرای حکم قصاص موكول و منوط به پرداخت سهم صغار از سوی ورثه کبیر است ...) به استناد ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری دادنامه فوق‌الذکر تأیید و ابرام می‌شود (سامانه ملی آرای قضایی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۹).

۳-۳- محدوده ولایت ولی نسبت به صغیر

در رابطه با قتل عمد، اگر برخی از اولیای دم کبیر و بعضی دیگر صغیر باشند افراد کبیر می‌توانند مبتنی بر حکم وحدت رویه بشماره ۳۱- ۱۳۶۵/۸/۲۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور با تأمین سهم صغار از دیه شرعی درخواست قصاص نمایند. اگر اولیای دم مقتول منحصر در ولی قهری باشد، ولی قهری با رعایت مصلحت صغار حق قصاص یا گرفتن دیه دارد. چنانچه قیم اولیای دم کلیه صغار، منصوب رئیس حوزه قضائی باشد نمی‌تواند به تشخیص خود مصلحت صغار را لحاظ نموده و اقدام به قصاص یا أخذ دیه کند. بلکه رئیس

«حجر به جهت افلاس یا سفاهت، از استیفای قصاص، جلوگیری نمی‌کند؛ پس برای محجورعلیه است که قصاص کند. ... و محجورعلیه می‌تواند مجاناً و به کمتر از دیه عفو نماید» (امام خمینی، ۱۴۰۹: ۵۷۴/۲؛ امام خمینی، ۱۳۹۲، مسأله ۱۸، سفه)

مطابق مقررات شرعی و قانونی (ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی) جد پدری ولی قهری طفل است و طبق فتوای مقام معظم رهبری در پاسخ به استعلام ریاست قوه قضاییه ولی مذکور باید با ملاحظه غبطه و مصلحت مولی‌علیه اقدام کند و انتخاب او نسبت به قصاص یا دیه یا عفو مع‌العوض یا بلاعوض نافذ است (صورت‌جلسه نشست قضائی ۱۳۸۳/۱/۲۶).

بنابه تصریح فقها و مطابق ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی، اگر بعضی از اولیای دم متعدد تقاضای قصاص و سایرین تقاضای دیه داشته باشند، خواهان قصاص قادر به قصاص قاتل هستند اما می‌بایست سهم دیه دیگر اولیای دم را پرداخت کنند و چنانچه برخی از اولیای دم بطور رایگان قاتل را عفو نمایند، خواهان قصاص باید، سهم عفوکنندگان را به قاتل بپردازند.

من حیث‌المجموع هر زمان که ولی دم صغیر باشد، میان فقها چندین نظریه در رابطه با اینکه ولی شرعی صغیر (پدر، جد پدری یا قیمی که از جانب محکمه منصوب گردیده) در خصوص حق قصاص صغیر از چه اختیاراتی برخوردار است مطرح می‌باشد که اساسی‌ترین آنها به شرح زیر عبارت است از:

نخست، نظریه‌ای که از سوی برخی فقهای معاصر نیز پذیرفته شده است تصمیم‌گیری راجع به حق قصاص صغیر، خارج از شمول ادله ولایت ولی صغیر است و ولی شرعی صغیر حق ندارد، هیچ‌گونه تصمیمی در مورد آن بگیرد و لازم است منتظر بماند تا صغیر، بالغ گردد و خود در مورد حق قصاص خویش تصمیم بگیرد (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱: ۱۴).

مرحوم شهید اول در کتاب لمعه می‌فرماید: «هرگاه ولی دم صغیر باشد و برای وی پدر یا جدپدری باشد، نمی‌تواند حق

شریک‌اند، ... اگر بعضی از آنان دیوانه باشد امر او به دست ولیّ او است. و اگر صغیر باشد پس در روایتی است که انتظار بکشید تا کسانی که پدرشان کشته شده است بزرگ شوند، پس وقتی بالغ شدند، آنان مخیر کنید؛ پس اگر دوست داشتند بکشند یا عفو نمایند یا مصالحه کنند.» (امام خمینی، ۱۴۰۹: ۵۷۲/۲، امام خمینی، ۱۳۹۲: مسأله ۱۵، صغیراً)

همچنین در پاسخ به این استفتاء که «شخصی قتلی انجام داده و این مقتول دارای اولاد صغاری می‌باشد و صغار، ولی شرعی - که عبارت باشد از جد - دارند و ولی شرعی ایشان مطالبه قصاص می‌کند. آیا از نظر شرع مقدس اسلام باید صبر کرد تا صغار کبیر بشوند و یا این که بر طبق مطالبه ولی که جد باشد، می‌شود قصاص کرد؟» می‌فرماید: «بسمه تعالی، احوط آن است که صبر کنند تا صغیر بالغ شود و درباره قصاص یا گذشت نظر دهد، مگر آن که تأخیر قصاص موجب مفسده باشد و یا آن که خلاف مصلحت صغیر باشد، که در این صورت می‌توانند، ولی کبیر مطالبه قصاص نمایند.» (خمینی، ۱۳۹۶: ۱۰۶/۱۰)

بنابر آنچه گذشت مطابق نظر امام خمینی ولی صغار در صورتی می‌تواند از باب ولایت بر صغیر مطالبه قصاص نماید که تأخیر در اجرای قصاص موجب مفسده بوده و یا برخلاف مصلحت صغیر باشد. در غیر این صورت احوط آن است که صبر نمایند تا صغیر بالغ شود و درباره قصاص یا گذشت و یا مصالحه نظر دهد و در این که آیا ولی صغار حق گذشت مجاناً را دارد یا نه؟ در پاسخ به استفتاء دادستان کل وقت مبنی بر این که «آیا پدر می‌تواند نسبت به فرزند صغیرش که مجروح شده، هم از دیه بگذرد و هم از قصاص و مجاناً صرف نظر نماید، یا چنین حقی ندارد؟ چون هیچ مصلحتی برای طفل در نظر گرفته نشده و در باب قصاص، فتوا و قانون بر این است که ولیّ صغیر حق ندارد قاتل را مجاناً عفو نماید.» مرقوم می‌دارند: «بسمه تعالی، در فرض مزبور احوط آن است که صبر کنند تا صغیر بالغ شود و در قصاص یا غیر آن، خودش تصمیم بگیرد و ولی صغیر در فرض مذکور، گذشتش صحیح نیست.» (خمینی، ۱۳۹۶: ۱۰۶/۱۰)

همه اینها درباره بچه نابالغ است. اما درباره دیوانه، گذشت به دست ولیّ او است. (امام خمینی، ۱۴۰۹: ۵۷۲/۲، امام خمینی، ۱۳۹۲، مسأله ۱۵، مجنوناً) و درباره سفیه نیز می‌فرمایند:

بر اساس قبول این نظریه خواهد بود که ولی صغیر، در برخی موارد مربوط به قتل عمد، مضاف بر اینکه این اجازه را دارد که در صورت وجود مصلحت در ازای پرداخت مالی (به میزان دیه یا کمتر یا بیشتر) با شخص قاتل صلح کند، و همچنین مجاز است تا بعضاً (هرچند به ندرت) که مصلحت صغیر قصاص قاتل و یا عفو مجانی او را اقتضا می‌کند، یکی از این دو مورد را انتخاب کند.

علامه حلی در تذکره، پس از شرح این موضوع که ولی صغیر در صورت اقتضاء مصلحت، اجازه استیفای قصاص را دارد و چنانچه مصلحت در عفو در ازای عوض باشد، این حق را دارد تا بدین‌سان قاتل را عفو نماید، بیان داشته است: «و ان عفا مطلقاً فالاقرب اعتبار المصلحه ایضاً فان كانت المصلحه فی العفو مجانا اعتمادها كما أن له الصلح ببعض ماله مع المصلحه.» (علامه حلی، بی‌تا: ۸۲/۲) همچنین محقق کرکی بعد از تقویت این سخن به منظور توجیه آن چنین بیان می‌دارد: «ولی اهلیت تصرف در امور صغیر یا مجنون را دارد و فرض هم بر این است که غبطه و مصلحت صغیر یا مجنون موجود است.» (محقق کرکی، ۱۴۱۱: ۱۷۸/۵)

بعضی از فقها همچنین علاوه بر شرح این موضوع که وجود مصلحت در قصاص و یا عفو مجانی قاتل در موارد معدودی متصور می‌باشد اما فرض آن از نظر وی ممکن بوده و قصاص یا عفو مجانی قاتل به وسیله ولی را در صورت وجود مصلحت صغیر مجاز قلمداد کرده‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۹: ۱۴۰/۱۴؛ موسوی سبزواری، ۱۴۳۰: ۲۹۲/۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۸: ۵۲۹/۲).

از پاسخ رهبر گرانقدر انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای در مقابل استفتایی که از معظم‌له انجام گرفته که متن و پاسخ به آن ذیل بخشنامه‌ای به شماره ۷۵۵۹/۸۰/۱ در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۸۰ ریاست محترم قوه قضائیه، قید گردیده است نیز چنین قابل استنباط است که نظریه مزبور از جانب ایشان هم مورد پذیرش می‌باشد. معظم‌له در جوابیه خویش به استفتاء اخیرالذکر چنین اظهار داشته‌اند که: «از مجموع ادله ولایت صغیر و مجنون چنین استفاده می‌شود که جعل ولایت برای آنان از طرف شارع مقدس به خاطر مصلحت مولی علیه است. بنابراین در

قصاص صغیر را استیفا نمایند، تا این که بالغ گردد» (شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۹۷/۱۰) و مرحوم شهید ثانی در توجیه این نظرمی‌نگارد: «زیرا حق قصاص از آن صغیر است و ولی او نمی‌داند که او چه چیز را اراده می‌کند، همچنین غرض از قصاص تشفی خاطر ولی دم است و آن با تعجیل قصاص قبل از بلوغ محقق نمی‌شود.» (شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۹۷/۱۰)

دوم، ولی صغیر با وجود اینکه این اجازه را ندارد که از جانب صغیر، اقدام به قصاص شخص قاتل کند و یا اینکه او را مجانا عفو کند اما از این حق برخوردار است که چنانچه مصلحت اقتضاء نماید، اقدام به مصالحه با قاتل به مقدار دیه یا مال یا مبلغ دیگری که مصلحت صغیر اقتضا می‌نماید، کند.

در این باره صاحب کتاب مبانی تکمله المنهاج می‌فرماید: «هرگاه ولی میت صغیر یا مجنون باشد و او ولی (مثل پدر، جد پدری یا حاکم شرعی) داشته باشد، در این که ولی صغیر یا مجنون می‌تواند قاتل را قصاص کند یا نه، دو قول وجود دارد و بعید نیست قول به عدم جواز صحیح باشد، بله در صورتی که مصلحت اقتضا کند که ولی صغیر یا مجنون، از قاتل دیه بگیرد یا در مقابل گرفتن چیزی با وی مصالحه نماید، این امر بر ولی جایز است.» (خویی، ۱۳۹۵: ۱۳۳/۲)

این گروه از فقیهان بر این باورند که اطلاق یا عمومی که بنابر آن ولایت ولی بر مثل قصاص ثابت باشد، در میان ادله ولایت وجود ندارد ولیکن ادله ولایت، دربرگیرنده عفو حق قصاص صغیر یا مجنون در ازای دریافت مال می‌شوند. این نظریه به وسیله بعضی از فقهای معاصر هم مورد پذیرش قرار گرفته است (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱: ۱۵).

سوم، ولایت ولی شرعی صغیر، همه شوون و امور صغیر را (به استثنای برخی موارد نظیر حق طلاق که به نص خاصی استثناء گردیده است) در برمی‌گیرد و بر اساس عقیده این گروه از فقها، ولی صغیر نماینده صغیر در کلیه امور مربوط به او می‌باشد و همه اختیاراتی که صغیر در صورت عدم صغر از آنها برخوردار بوده، ولی وی به هنگام صغر از همه این اختیارات به غیر از موارد مستثنی برخوردار خواهد بود و البته صرفاً در صورت اقتضای مصلحت صغیر قادر به اعمال چنین اختیاراتی است.

آیت‌الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی: عفو و یا دریافت دیه پس از بزرگ شدن صغار بر عهده خود آنها می‌باشد.

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی: ۱. معمولاً دریافت دیه به صلاح صغار بوده اما در برخی موارد معدود امکان دارد عفو و قصاص به صلاح صغار باشد. ۲. هر دو می‌بایست مصلحت صغیر را مدنظر قرار دهند.

آیت‌الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: ۱. صغیری که وارث فرد مقتول بوده بایستی صبر نماید تا صغیر بزرگ شود و سپس کبر وی مخیر خواهد بود میان قصاص و عفو از قصاص و یا دریافت دیه. ولی صغیر ظاهراً فاقد حق عفو از قصاص و دریافت دیه است. ۲. در این رابطه اختیارات ولی صغیر با قیم صغیر هیچگونه فرقی ندارد. (موسوی اردبیلی، ۱۳۷۶: ۱۲۹)

با توجه به استعلام شماره ۲۰۲۰/۱۲۷۶ نظریه مشورتی اداره حقوقی به قرار زیر اعلام می‌گردد: نمی‌توان چنین بیان داشت که همیشه دریافت دیه در عوض تقاضای قصاص به مصلحت صغار می‌باشد. این مسأله با توجه به مورد و شرایط مختلف متفاوت است و نمی‌توان یک حکم کلی را برای آن مقرر کرد. از این‌رو چنانچه در برخی موارد قصاص مطابق با غبطه صغیر باشد مطالبه آن مانعی نخواهد داشت. (نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه)

نتیجه‌گیری

با توجه به سؤالات مطرح شده می‌توان پاسخ داد: اگر صغیر را ملزم به پرداخت دیه نماییم باید گفت که این دیه برای جبران خسارت مدنی است یا جبران خسارت جزایی می‌باشد. چنانچه به ماهیت جزایی دیه قائل باشیم می‌توان در صورت عدم رضایت طفل، پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه فرستاد. با توجه به ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی که بیان می‌دارد: «هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی‌علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضایی پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به‌عنوان قیم تعیین می‌نماید» در چنین مواردی چنانچه دادستان تشخیص دهد که

مسأله مورد بحث که اولیای دم صغیر و مجنون می‌باشند، ولی شرعی آنان باید با ملاحظه مصلحت و غبطه آنان اقدام کند و انتخاب او نسبت به قصاص یا دیه یا عفو مع العوض یا بلاعوض نافذ است ...»

در هر حال بر ولی صغار، لازم است سهم‌الدیه صغار را مطالبه نماید و بر اولیای کبار نیز لازم است این سهم را بپردازند و نظریات مختلف طرح شده تفاوتی در این مطلب به وجود نمی‌آورد. نهایت آنکه بنا بر نظریه نخست از نظریات مطرح شده در بند «ب»، چون ولی یا اولیای صغار، حق تصمیم‌گیری در مورد اخذ دیه از جانب صغار را ندارد، این سهم تا زمان بلوغ صغیر، نگهداری می‌شود تا اگر به هنگام بلوغ، قصاص را مطالبه نمود، این سهم به اولیای کبار که خواهان قصاص بوده‌اند، و اگر به هنگام بلوغ قاتل را عفو نمود، این سهم به ورثه قاتل، پرداخت گردد.

در پایان به برخی از نظرات فقهای معاصر در ارتباط با موضوع بحث اشاره می‌گردد: سؤال: ۱. آیا همیشه دریافت دیه از طرف اولیای صغار، اصلح به حال صغار می‌باشد و یا آنکه بر حسب مورد می‌توان شخص جانی را عفو نموده و یا از او تقاضای قصاص کرد؟ ۲. آیا گستره اختیارات ولی با قیم در این رابطه متفاوت است؟ (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱: ۱۶)

آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت: ۱. اظهر جواز قصاص بوده برای ولی با رعایت مصلحت یا مجرد عدم مفسده اما در صورت نزدیکی زمان بلوغ صغیر و عدم مفسده در تأخیر و احتمال حصول عفو چنانچه بر مالی باشد احتیاط در تأخیر بدون محذور ترک نشود. ۲. بر اساس نظر قیم شرعی اقدام گردد. (سایت مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر (عج))

آیت‌الله العظمی میرزا جواد تبریزی: موارد گوناگون می‌باشد، اولیاء صغار (پدر، جد پدری و وصی آن دو) مطابق با مصلحت دیه دریافت کنند و یا قاتل را ضمانت نمایند تا فرا رسیدن زمان بلوغ صغار و بعد از بلوغ خودشان تصمیم به قصاص یا عفو و یا دریافت دیه بگیرند. اولیاء از حق عفو یا قصاص برخوردار نیستند.

- احمدپور بخوانی، علی (۱۳۹۹). «نقش اولیاء دم در استیفای قصاص در جرم قتل در مقایسه آن در حقوق کیفری ایران و فرانسه»، نشریه قانون یار، ۱۴: ۲۶۷-۲۸۴.

- بهجت، محمدتقی (۱۳۷۷). *توضیح المسائل*. قم: نشر شفق.
- بستانی، معلم بطرس (۱۴۰۷). *محیط المحيط*. بیروت: مکتبه لبنان.

- بازگیر، یدالله (۱۳۸۹). *موازن حقوقی امور حسبی در آرای دیوان عالی کشور (وصیت حصر وراثت، ارث)*. جلد دوم، چاپ اول، نشر جاودانه، بازگیر.

- پرو، بهروز (۱۳۹۷). «مسئولیت مدنی سرپرست صغیر و مجنون». نشریه قانون یار، ۷: ۳۲۳-۳۵۰.

- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح (۱۴۳۱). *العناوین*. قم: انتشارات الاسلامی.

- خمینی، روح الله (۱۳۹۲). *القول فی کیفیة الاستیفا*. تهران: نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خمینی، روح الله (۱۴۰۹). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، قم: انتشارات اسماعیلیان.

- خمینی، روح الله (۱۳۹۶). *استفتائات امام خمینی (ره)*. جلد دهم، چاپ اول، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خمینی، روح الله (۱۳۶۵). *موازن قضایی از دیدگاه امام خمینی: حاوی جدیدترین استفتائات در زمینه مسائل قضایی*. جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر شکوری.

- خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۵). *مبانی تکمله المنهاج*. جلد دوم، نجف: مطبعه الاداب.

- شیخ طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۴). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۹۸). *شرح لمعه الدمشقیه*. جلد دهم، نجف: مطبعه الاداب.

- صانعی، یوسف (۱۳۸۵). *استفتائات قضایی: کلیات قضا- جزئیات*. جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

با رضایت ولی قهری، مصلحت طفل رعایت نگردیده می‌تواند با تعیین فرد صالحی بعنوان قیم، پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال نماید.

اگر طفلی در اثر جنایت عمدی یا غیرعمدی به قتل برسد اختیار قصاص یا اخذ دیه یا عفو با ولی او است. اما اگر جنایت بر صغیر، ضرب و جرحی باشد که موجب قصاص یا دیه گردد قانون مجازات اسلامی در این مورد ساکت است و باید طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی به فتوای مشهور فقهاء مراجعه نمود از فتاوی فقهای معاصر استفاده می‌شود که در مورد قصاص حق عفو برای ولی ثابت نیست و نسبت به گذشت از دیه هم تنها در جایی ولی این حق را دارد که عفو برای صغیر مصلحت داشته باشد (نه برای خود ولی) بعضی از فقهای بزرگ مانند حضرت امام و حضرت آیت‌الله گلپایگانی گذشت ولی را در این مورد مطلقاً صحیح نمی‌دانند و بعضی دیگر از بزرگان جواز آن را مقید به وجود مصلحت برای مجنی‌علیه می‌نمایند

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر، جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان:

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع

الف. منابع فارسی

- ابن منظور (۱۴۱۶). *لسان العرب*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- علامه حلی (بی تا). *تذکره الفقهاء*. جلد دوم، قم: منشورات المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲). *الفروق اللغویه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- گلپایگانی، سیدمحمدرضا (۱۴۰۹). *مجمع المسائل*. جلد دوم، چاپ دوم، قم: نشر دارالقرآن کریم.
- فیاض، محمد اسحاق (۱۴۲۲). *معارضات فی اصول الفقه (تقریرات درس سیدابوالقاسم خوئی)*. قم: امام موسی صدر، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵). *المصباح المنیر*. قم: دارالهجره.
- قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۷۸). *قوانین الاصول*. تهران: علمیه اسلامیة.
- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه (۱۳۸۱). *گنجینه آرای فقهی - قضایی در امور کیفری*. جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۳۷۶). *فقه القصاص*. چاپ اول، قم: نشر نجات.
- مقدس اردبیلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹). *مجمع الفائده و البرهان*. جلد چهاردهم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۱). *جامع المقاصد*. جلد پنجم، قم: مؤسسه آل البیت.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۳۰). *مهذب الاحکام*. جلد بیست و هشتم، قم: دارالتفسیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۸). *استفتائات جدید*. جلد دوم، چاپ نهم، قم: نشر امام علی بن ابیطالب (ع).
- ب. پایگاه های اینترنتی**
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی www.makarem.ir
- پرتال انهار تحت نظارت حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدحسن هاشمی خمینی www.portal.anhar.ir
- مرکز آموزش قوه قضائیه www.neshast.org
- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه www.pasokhgo.valiasr-aj.com
- پژوهشگاه قوه قضائیه سامانه ملی آرای قضایی www.ara.jri.ac.ir
- ویکی حقوق دانشنامه آزاد www.wikihoghogh.net/wiki
- دستور، پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات کشور www.dastour.ir
- قاضی دادگستر www.judg.blogsky.com
- پرتال امام خمینی imam-khomeini.ir